

# زنگ خطر دانش‌آموزان بازمانده از تحصیلِ بلوچستانی

## عبدالحکیم سالارزهی

آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد فرهنگی و اجتماعی، جامعه را به سوی افقِ رشد، تعالی و ترقی سوق می‌دهد و اساس حرکت‌آفرینی و تحول و تثبیت اخلاق به شمار می‌رود؛ کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. با اوج گرفتن و سرعت بالای تغییرات و تحولات علم و فناوری، برای پاسخگو بودن به نیازهای متنوع و پیچیده جامعه، اقتضائاتی وجود دارد که تربیت و به کارگیری نیروهای کارآمد و کاردان، برقراری عدالت آموزشی، ایجاد تحول در محتوای آموزشی و شیوه‌های تربیتی در راس این ضرورت‌هاست. از این رو، متولیان تعلیم و تربیت با بهره‌گیری از امکانات موجود، اگر این مسیر را به درستی علامت‌گذاری و تبیین و برای نیل به مقصد و تحقق برنامه‌های مدون و موثر تلاش کنند، موفق خواهند شد.

آموزش‌وپرورش ایران اما نیازمند آن است که به موضوعات مختلفی مانند نابرابری، تبعیض اجتماعی، بدرفتاری، خشونت خانگی و... توجه بیشتری نشان داده و راهکارهای عملیاتی برای بهبود وضعیت دانش‌آموزان را مبتنی بر اسناد بالادستی فراهم سازد.

### برخی عوامل بازدارنده کودکان از تحصیل

از مهم‌ترین عوامل افت تحصیلی و بازماندن کودکان و نوجوانان از تحصیل می‌توان به عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اشاره کرد. فقر، بیکاری، کمبود منابع مالی، عدم توانایی تامین هزینه‌های آموزشی و سوء تغذیه کودکان، معضل خانمان‌سوز افت تحصیلی را بحرانی‌تر کرده است. جامعه‌ای توسعه پایدار را تجربه می‌کند که بتواند پتانسیل‌های بالقوه افراد را ارتقا داده و توانمندسازی آنان را اصل نخست و اولویت خود قرار دهد.

توجه به تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، نیازهای ظاهری کودکان و اقلیت‌های قومی تطابق ساختار آموزش رایج و تفاوت میان ارزش و اصول فرهنگی از اهمیت بسزایی برخوردار است. از طرفی، امر تعلیم و

تربیت برای برخی کودکان، مخصوصاً دختران، در بعضی جوامع سنتی به درستی حل نشده است. نبود فضای مناسب آموزشی مجزا برای دختران در روستاها حتی در مقطع ابتدایی باعث محرومیت بسیاری از کودکان از نعمت آموزش میشود.

عوامل سیاسی ریشه در نوع نگاه به تفاوت‌های فرهنگی دارد. بی‌توجهی به رسومات و تفاوت‌های فرهنگی به خاطر عوامل سیاسی، تاثیر مستقیم و غیرقابل انکاری در تشدید و افزایش آمار کودکان بازمانده از تحصیل دارد.

ناپایداری سیاسی؛ ناتوانی دولت در ارائه زیرساخت‌های آموزشی مطلوب و قوی، عدم تامین تسهیلات آموزشی مناسب و مساوی، معضلات ثابت شده‌ای هستند که پرداختن به آنها در اولویت اول قرار دارد. اخیراً معضل کمبود معلم در سطح کشور به‌طور عام و در استان‌های حاشیه‌ای مثل سیستان و بلوچستان جامعه ایرانی را شگفت‌زده کرد که چگونه متولیان آموزش و پرورش نتوانسته‌اند به موقع مشکل را درک و برای تدارک آن برنامه‌ریزی کنند؟ ترویج فرهنگ آموزش و تحصیل، ایجاد فرصت‌های شغلی برای والدین و ایجاد زمینه‌ها برای حمایت از کودکان بازمانده از تحصیل باید در صدر برنامه دولتمردان قرار گیرد.

بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، هم‌اکنون زنگ خطر دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل در کشور به صدا درآمده است. در حال حاضر، 911 هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل به همراه 279 هزار دانش‌آموز ترک تحصیلی در کشور وجود دارد. دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل طی 5 سال اخیر، رشد 17 درصدی داشته است. در سال تحصیلی 1394-1395 جمعیت بازماندگان از تحصیل برابر با 777.862 نفر بود. در سال تحصیلی 1400-1401 به 911.272 نفر افزایش یافت.

اختصاص بودجه برای مناطق کم‌برخوردار و توجه به مدارس شبانه‌روزی از ضروریات عدالت آموزشی است. این در حالی است که بودجه سال 1402 در این خصوص اعتباری در نظر نگرفته است. حذف اعتبارات در حوزه بازماندگان از تحصیل در مناطق محروم، بودجه سال 1402 را به یکی از ضعیف‌ترین بودجه‌های آموزش و پرورش تبدیل کرده است. در سال جاری، دولت بودجه‌هایی در ردیف اعتباری برای بازماندگان در نظر نگرفته است. سرانه دانش‌آموزان شبانه‌روزی برای يك نفر فقط روزانه 19 هزار تومان در نظر گرفته شده است. این مبلغ در مقابل تورم موجود بسیار ناچیز، بلکه هیچ است. بنابراین، مدارس شبانه‌روزی برای سرپا ماندن و نگهداری دانش‌آموزان با بحران‌های جدی مواجه

هستند.

در این میان، وضعیت استان سیستان و بلوچستان بفرنج تر است. بلوچستان که در شرقی‌ترین خطه ایران واقع شده، فاقد زیرساخت‌های آموزشی قوی از جمله طرح‌های باکیفیت و توزیع برابر تجهیزات و منابع آموزشی و انسانی است. شرایط نامناسب برای فعالیت مدارس در مناطق محروم و زیرتوسعه، باعث شده که این معضل به یک غده سرطانی مبدل شود.

افزایش آمار کودکان بازمانده از تحصیل به دلایل مختلفی مانند عدم برخورداری خانواده‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر از حمایت‌های مالی، برای تامین و فراهم کردن تغذیه و وسایل تحصیل، معضلات استان را دوچندان کرده است. در سال گذشته، از 911 هزار نفر بازمانده از تحصیل در کشور حدود 150 هزار نفر یعنی بیش از 16 درصد متعلق به سیستان و بلوچستان بودند. خراسان رضوی با 51000 نفر رتبه دوم را دارد و استان‌های خوزستان، آذربایجان غربی و تهران رتبه‌های بعدی را دارند.

توزیع بازمانده از نظر استقرار در سطح استان به شرح ذیل است:

از حدود 150 هزار بازمانده از تحصیل در استان، 12570 نفر معادل 8.4 درصد از کل جمعیت بازماندگان استان در حوزه سیستان هستند. در شهر زاهدان 32400 نفر معادل 21.6 درصد از کل بازمانده استان وجود دارد. الباقی 105030 نفر معادل 70 درصد بازمانده در سایر مناطق قرار دارد.

بیشتر پراکندگی در حاشیه شهرهای بزرگ استان، مانند زاهدان 32400 نفر، چابهار 13800 نفر، ایرانشهر 8900 نفر، خاش 7580 نفر، سراوان 10240 نفر، سرباز 8870 نفر، راسک 8830 نفر هستند.

از کل بازماندگان از تحصیل استان سیستان و بلوچستان حدود 42000 نفر در سنین ابتدایی 6 تا 11 سال هستند. حدود 40000 نفر در سنین متوسطه اول 12 تا 14 سال و الباقی در سنین متوسطه دوم 15 تا 18 سال هستند. در حوزه سیستان، 8.4 درصد بازمانده نسبت به جمعیت سنی در مقایسه با سایر مناطق استان بسیار ناچیز است. یکی از دلایل کاهش بازماندگان در منطقه سیستان این است که با توجه به تراکم بالای جمعیت این منطقه، حدود 50 مدرسه شبانه‌روزی با حداقل ظرفیت فعالیت می‌کنند.

تقریباً طی 10 سال گذشته تعداد بازماندگان در استان نه تنها کاهش پیدا نکرده است، بلکه 17 درصد به آمار آنها افزوده شده. این معضل بیانگر آن است که دولت و آموزش و پرورش هیچ برنامه قابل اجرایی برای کاهش آمار بازماندگان ندارند. بیش از 90 درصد بازماندگان از تحصیل در پنج، شش استان هستند که اکثریت آنها جز اولویتهای توسعه‌ای نظام نیستند.

بر اساس آمارهای موجود، 49.68 درصد بازماندگان در کشور دختر و 50.32 درصد را دانش‌آموزان پسر تشکیل می‌دهند. بلوچستان متفاوت از سایر استان‌های کشور است؛ 54.63 درصد بازمانده مربوط به دختران است و 45.37 درصد بازمانده را پسران تشکیل می‌دهند. اگر مسوولان آموزش و پرورش نتوانند ساز و کار مناسبی تدبیر کنند، امسال حداقل 30 هزار نفر به بازماندگان اضافه می‌شود یعنی از مرز 180 هزار نفر در استان عبور خواهد کرد. علاوه بر این آمار کودکان فاقد شناسنامه و منع خدمات را هم باید به بازماندگان استان اضافه کرد و برای آنها دل سوزاند.

## راهکارها

- تخصیص کمک هزینه تحصیلی برای دانش‌آموزان فقیر و کم‌بضاعت.
- افزایش اعتبارات لازم برای طرح روستاهای مرکزی به اندازه نیاز.
- افزایش سرانه غذایی و بهداشتی مدارس شبانه‌روزی متناسب با افزایش تورم.
- نیازسنجی و بازگشایی مدارس شبانه‌روزی در متوسطه اول و دوم در مناطق مختلف به اندازه ضرورت.
- بازگشایی مدارس متوسطه اول و دوم با حداقل آمار در مناطقی که از مدارس شبانه‌روزی استقبال نمی‌شود.
- استفاده از معلمان چندمهارتی در مدرسی که دارای آمار کم هستند.
- تسهیل تحصیلات برای دختران متاهل در مدارس عادی با رعایت مسائل اخلاقی و اجتماعی.

**ضرورت توجه به اصل سیام قانون اساسی**

با توجه به اهمیت حوزه آموزش و پرورش و نگاه به اصل سیام قانون اساسی مبتنی بر تعلیم و تربیت رایگان، نظام آموزشی ایران نتوانسته کارآمدی لازم را در این زمینه‌ها داشته باشد. حتی در بسیاری موارد در شکل‌گیری و نهادینه شدن برخی ارزش‌های ضدتوسعه نیز نقش اساسی ایفا کرده است. از این رو، شفافیت مسائل و معضلات نظام آموزشی و تلاش برای حل آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. در عرصه سیاستگذاری، شورای عالی آموزش و پرورش در ذیل وزارت متبوع تقویت شده، ولی مشارالیه در صدر و مسلط واقع شده و شورا بودن شورای عالی را به نهادهای غیرمسئول و عدم پاسخگو و گذار کرده و کم‌کاری و ضعف را کسی به عهده نمی‌گیرد.

شماره: ۱۴۰۲ / ۲۹ / ۱۴۰۲